

«هوالحکیم»

عنوان:

تعريف حقيقة مجرد



دکتر باقر پور کاشانی

صلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَاٰصَلِّ عَلَىٰ صَاحِبِ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGH1』

حقیقت مجرد چه حقیقتی هست؟ ما حقیقت مجرد رو
نمی‌تونیم تعریف کنیم! تعریفش در سلب امور مادی و لواحق
مادی هست. مثلاً می‌گیم روح مجرد هست، می‌گه خب مجرد
چیه؟ می‌گیم ماده نیست، به ضدش می‌ایم تعریف می‌کنیم.
می‌گه ماده چه خصوصیاتی داره؟ می‌گیم ماده طول داره، عرض
داره، ارتفاع داره؛ جهات ثلثه معنا می‌ده. حتی هوا! هوا می‌تونی
یک جهت ثلثه براش در نظر بگیری طول و عرض و ارتفاع؟
می‌گه می‌شه. می‌گیم مادی هست. آب، جهات ثلثه می‌شه
براش در نظر گرفت طول، عرض، ارتفاع؟ بله مادی هست.

هر چیزی که مادی هست چیه؟ حرکت براش معنا می‌ده؛
 به هر نحوی. حالا یا حرکت در این هست، این آب از یک
 نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگه بخواد بره؛ یا حرکت در وضع هست،
 این کره‌ی زمین به حول خودش بخواد بچرخه؛ یا حرکت در
 کم هست، یک نهالی بخواد تبدیل به یک درخت تنومندی بشه
 حرکت در کم هست؛ یا حرکت در کیف هست، کیفیت
 شیئی بخواد تغییر بکنه. این موزهایی که میارن اینجا، دو جور
 موز هست، یک موز خارجی داریم، یک موز ایرانی داریم؛ این
 موزهای کوچک مال ایرانه، موزهایی که بزرگتره مال خارجه.
 این موزها رو که میارن، اونجا زرد نیست ها! فیلم‌هاش رو
 من دیدم موز سبز رو می‌ذارن تو کارتون تا به ایران می‌رسه
 زرد می‌شه! این می‌شه چی؟ می‌شه حرکت در کیف! کیفش
 تغییر کرده. اونجا رنگش سبز بود نارس بود، شد اینجا زرد و
 شیرین و خوش‌طعم! حتی آبش هم بیشتر می‌شه، این می‌شه
 چه؟ حرکت در کیف. حالا ببینید در امور
 مادی حرکت راه داره.

یا تبدیل قوه به فعلیت؛ مثلاً فرض بکنید یک دانه‌ی سیب این چیه فعلیتش؟ این دانه‌ی سیب هست. اما بالقوه این درخت سیب هست. یعنی در دل سیب، قابلیت این رو داره اگر شرایط مناسب باشه این چی بشه؟ درخت سیب بشه! بالقوه انسان نیست ها! یعنی اگر در شرایطی باشه دانه‌ی سیب می‌شه سیب، یک درخت سیب. حالا اگر چنانچه این دانه‌های سیب هم باید شانس بیارن، یک دانه‌ی سیب در شرایطی شانس نمیاره زیر دندون ما له می‌شه و می‌ره پی کارش! یک دانه‌ی سیبی در شرایط خاصی این رو قرار می‌دی کم‌به‌کم کم‌به‌کم می‌شه درخت سیب! قبل از این‌که من لهش بکنم اون هم در شرایط قرار بگیره، هر دو بالقوه درخت سیب بوده! حالا بالفعل فعلیتش چیه؟ حالا این‌که به فعلیت می‌رسه می‌شه درخت سیب، اون یکی به فعلیت نمی‌رسه زیر دندون‌های من له می‌شه. به هرحال هرگونه حرکتی که هست در شیئی که مطرح می‌شه این امر، امر مادی هست، تبدیل قوه به فعلیت می‌شه مادی؛ چیزی که مادی هست دارای چیه؟ دارای حجم هست، دارای وزن هست.

حالا می‌گیم مجرد چیه؟ مجرد یعنی هیچ کدام از خصوصیات مادی رو نداره! لذا مجرد یک تعریف خاصی نداره. مجرد با نفی ماده و لواحق ماده و ویژگی‌های اون، تعریف یک شیء مجرد می‌شه. مثلاً در مورد خداوند می‌خواید بگید مجرد هست یعنی مادی نیست، خب شما چه تصوری نسبت به شیء مجرد داری؟ فقط میای از لحاظ تنزیه‌ی صحبت می‌کنی؛ می‌گی خداوند ماده نیست اگر ماده باشد دارای ترکیب است، تجزیه درش راه داره، محدودیت درش راه داره، حرکت درش راه داره، تمام این‌ها نشانه‌ی حدوث هست، پس چیه؟ پس مجرد هست! این‌طوری نتیجه می‌گیری دیگه! یعنی واقعاً حقیقت مجرد خداوند رو شما درک نکردی و درک هم نخواهی کرد.